خبر

هشدار به دانشجویان پزشکی برای تحصیل در دیگر کشورها

• **فارس:** معاون آموزشی وزیر بهداشت ضمن هشدار به دانشجویان رشته‌های پزشکی برای تحصیل در دیگر کشورها، گفت: برخی از دانشگاه‌های کشورهای دیگر از سوی ما پذیرفته شده نیست و این افراد در صورت توجه‌نکردن به این مسئله پس از ورود به کشور دچار چالش‌های جدی می‌شوند. وی به موضوع رتبه‌بندی آموزشی دانشگاه‌ها اشاره کرد و گفت: هرساله دانشگاه‌ها از نظر آموزشی رتبه‌بندی می‌شوند که امسال علاوه بر این مسئله رتبه‌بندی مناطق آمایشی کشور نیز در نظر گرفته شده تا دانشگاه‌ها در زمینه‌های مختلف با هم رقابت کنند. معاون آموزشی وزیر بهداشت با اشاره به اینکه همه امتحانات بین‌المللی گروه‌های پزشکی در کشور قابلیت اجرا دارد، گفت: از این پس لازم نیست فردی برای اخذ یک مدرک بین‌المللی به خارج از کشور مراجعه کند، حتی در بوردهای مختلف نیز این مسئله لحاظ شده؛ به‌طوری که بوردهای تخصصی ما می‌توانند مسیر امتحانات بین‌المللی را در داخل کشور پیش ببرند. وی به رتبه‌بندی دانشگاه‌های برتر دنیا اشاره کرد و گفت: حدود ۵۰۰ دانشگاه برتر در رتبه‌بندی شانگهای و QS پذیرفته شده کشور ما نیز است؛ البته استثنائات نیز در حوزه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها وجود دارد؛ ولی به‌طورکلی ۵۰۰ رتبه بالاتر پذیرفته شده ما در ایران است. دانشگاه‌هایی که جزء این ۵۰۰ رتبه بالاتر نباشند، دانشجویان ایرانی در صورت تحصیل در آنها مدرکشان در کشور معتبر نخواهد بود. معاون آموزشی وزیر بهداشت گفت: به دانشجویانی که خارج از ایران تحصیل می‌کنند، توصیه می‌کنیم به دانشگاه‌های معتبر بروند تا بتوانند در کشور وارد حوزه پزشکی شوند.

خبر ویژه

در برگزاری مراسمی

۱۳۰ نفر از کارکنان شهرداری کرج حکم قرارداد دائم دریافت کردند

• شهردار کرج با بیان اینکه تاکنون چهار هزار پرونده پرسنلی در هسته گزینش شهرداری این کلان‌شهر بررسی و تأیید شده است، گفت: تبدیل پرسنل موقت به رسمی، ازجمله دغدغه‌های مدیریت شهری کرج است که با جدیت هر چه تمام‌تر در حال پیگیری است و اکنون ۱۳۰ نفر از کارکنان مذکور حکم کارگری دائم را دریافت کرده‌اند. به گزارش خبرنگار پایگاه خبری مدیریت شهری کرج، علی ترکاشوند در آیین تبدیل وضعیت کارگران موقت به دائم شهرداری کرج که صبح دیروز با حضور اعضای شورای اسلامی شهر و چند مدیر ارشد شهری این کلان‌شهر برگزار شد، گفت: ۱۳۰ نفر از پرسنل که از سال ۸۲ با قرارداد موقت در این دستگاه مشغول به فعالیت بودند، امروز حکم دائم دریافت کردند. وی خاطرنشان کرد: همچنین شهرداری کرج توانسته است از سال ۹۲ تاکنون با تأسیس هسته گزینش در این دستگاه چهار هزار پرونده پرسنلی را بررسی و تأیید کند که این کار یکی از فعالیت‌های مطلوب دستگاه به شمار می‌آید. شهردار ایران کوچک یادآور شد: تمامی اقدامات معاونت‌ها، ادارات ستادی، مناطق و سازمان‌های تابعه شهرداری این کلان‌شهر در زمینه انجام وظایف و خدمات‌رسانی به شهر و شهروندان، باعث شده است این دستگاه از رتبه ۱۱ به ۱۲ ارتقا پیدا کند که این امر نیز در میان شهرداری سایر کلان‌شهرها چشمگیر بوده است. ترکاشوند اضافه کرد: ارتقای درجه شهرداری کرج، منجر به تغییراتی در چارت این دستگاه شد که براین‌اساس، تعدادی از حوزه‌ها جایگاهشان ارتقا پیدا کرد و با توجه به این روند، شهرداری این کلان‌شهر اعتلای نیروهای خدمات‌رسان خود را نیز در دستور کار قرار داده تا از این طریق، به بهره‌وری بیشتری رسیده و اهداف سازمانی را محقق کند.

دادگو:

دولت یازدهم تعطیلات پایان هفته را در کشور نهادینه‌سازی کند

• رئیس شورای اسلامی کلان‌شهر کرج اظهار کرد: دولت یازدهم تعطیلات پایان هفته را در کشور نهادینه‌سازی کند و با گرفتن یک تصمیم جهادی، فضا را برای تحکیم بنیان خانواده، مقابله با ترافیک و آلودگی هوا و کمک به رونق اقتصاد سبز مهیا کند. محمود دادگو در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری مدیریت شهری کرج ادامه داد: همه شواهد و قرائن حاکی از آن است که کارشناسان و دولتمردان بر وجود تعطیلات پایان هفته صحه می‌گذارند و آن را عاملی در راستای افزایش بهره‌وری سازمانی، رشد اقتصادی، توسعه رضایتمندی عمومی، رونق اشتغال‌زایی و ارتقای صنعت گردشگری می‌دانند و لوایحی نیز در همین ارتباط به وسیله دولت مهیا شده است. دادگو همچنین گفت: تعطیلات پایان هفته در بسیاری از کشورهای دنیا به عنوان یک تجربه موفق و شیرین با استقبال شدید مردم و دولت‌ها مواجه شده و مسئولان پس از بررسی‌ها و مطالعات علمی دریافته‌اند بدون تأمین زیرساخت‌های لازم و احترام به نیازهای روحی و عاطفی کارمندان، نمی‌توان به رشد اقتصادی و غلبه بر مشکلات امیدوار بود.

در آستانه آخرین انتخابات هیأت‌رئیسه شورای چهارم پایتخت حملات اصولگرایان به اصلاح‌طلبان شورا افزایش یافت

حمله کانالی

شرق: هفته آینده و در روز نهم شهریور آخرین انتخابات هیأت‌رئیسه شورای شهر تهران برگزار می‌شود. در این انتخابات رئیس و دیگر اعضای هیأت‌رئیسه شورای چهارم پایتخت برای سال پایانی فعالیت این شورا انتخاب خواهند شد؛ براساس‌این هرچه به این روز سرنوشت‌ساز نزدیک‌تر می‌شویم، فضاهای سیاسی و تاخت‌وتازها به رقبا هم بیشتر می‌شود. در این میدان، اعضای اصولگرای شورا به مدد رسانه‌های رسمی و غیررسمی پرتعدادی که دارند - مانند کانال‌های تلگرامی- صریح‌تر و تندتر اعضای اصلاح‌طلب شورا را می‌نوازند.

از سویی دیگر شنیده‌ها درباره حساب ویژه‌ای که اصولگرایان روی انتخابات شوراها باز کرده‌اند، چندان هم بیراه نیست. شنیده‌هایی که از یک سو بر پرچم‌داری مهدی چمران و حلقه اصلی همراه او برای این یک سال باقی‌مانده تا انتخابات ۹۶ و از سوی دیگر برای انتخابات شهردار در دوره بعدی برنامه‌ریزی دارد. از مدت‌ها قبل زمزمه‌هایی درباره ورود گزینه‌هایی جدید در شورا و به‌ویژه برای سمت شهردار تهران در میان اصولگرایان شنیده می‌شد که البته تا امروز هیچ‌کدام‌شان نهایی نشده‌اند؛ چون گزینه اصلی یعنی شهردار فعلی تهران بله نهایی را نگفته است.

اگر این شنیده‌ها درست باشد، اصولگرایان غیر از چمران برای ورود به انتخابات پنجم شورا نیاز به چهره‌ای معروف‌تر و مؤثرتر دارند و خب چه کسی بهتر از شهردار تهران که بخواهد رئیس شورای شهر تهران شود و با انتخاب همسوی یک شهردار با همراهی اعضایی که بیشترشان اصولگرا هستند، این جریان سیاسی یک شورا و شهرداری بدون دغدغه خواهد داشت. اینها همان شنیده‌هایی است که از گوشه و کنار جلسات و حرف‌ها و تکه‌پراکنی‌ها و البته کانال‌های مختلف و پرتعداد تلگرامی بیرون می‌زند. برخی از منابع آگاه می‌گویند محمدباقر قالیباف اگرچه آرایی به اندازه انتخابات ریاست‌جمهوری ندارد؛ اما اگر راضی به حضورنیافتن در انتخابات شود، کمتر از ۵۰۰ هزار رأیی که چمران به عنوان اولین نفر در فهرست شورای چهارم آورده، نخواهد داشت و می‌تواند در یک دوره چهارساله با یک شهردار همسو بسیاری از برنامه‌های خود را در تهران اجرا کند و برای بسیاری از گزارش‌های مالی و حسابرسی‌های باقی‌مانده، تبصره و الحاقیه و... در نظر بگیرد. از آن طرف اصلاح‌طلبان درون شورا هم در سال آخر فعال شده‌اند و خودشان را به آب و آتشی می‌زنند که کم‌سابقه است؛ هرچند تعدادی از آنها حتی در انتخابات هیأت‌رئیسه قبلی به مسجدجامعی به عنوان تنها گزینه موجود هم رأی ندادند و با همین عقب‌نشینی هیأت‌رئیسه و ریاستش را دودستی تقدیم اصولگرایان کردند؛ اما حتی در این سال آخر که به مسجدجامعی و اصلاح‌طلبان بیرون شورا برای انتخابات احتیاج دارند، هم نمی‌توان روی رأی همه آنها حساب کرد. نکته حائز اهمیت درباره ترکیب رأی‌های احتمالی در انتخابات هیأت‌رئیسه آخر سال چهارم شورای شهر تهران این است که تعدادی از اعضای اصولگرا و مستقل شورا در این دو سال اخیر گردشی خودمحورانه از اصولگرایان داشته‌اند و اگرچه به سمت اصلاح‌طلبان نیامده‌اند؛ اما شاید با دادن رأی سفید تأثیر بیشتری بتوانند روی نتیجه نهایی داشته باشند.

محمد سالاری، یکی از اعضای فراکسیون اصلاح‌طلبان دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: در این مدت نه‌تنها جلسه‌ای مجزا برای انتخابات هیأت‌رئیسه نداشته‌ایم؛ بلکه اصراری هم به لابی با اعضا نداشته‌ایم. او می‌گوید اعضای اصلاح‌طلب می‌دانند که چه افرادی درباره رأی روی چمران و مسجدجامعی تردید دارند؛ اما در این مدت با آنها صحبتی نداشته‌ایم و این تصمیم را به خودشان واگذار می‌کنیم. سالاری در ابتدای صحبت‌های خود به هجمه‌هایی که در روزهای اخیر در کانال‌های تلگرامی بدون‌نام و بی‌هویت با عکس و نوشته‌هایی غیرمستند علیه او و اعضای دیگر شورا انجام شده، اشاره و گلایه کرد. او گفت: اعضای اصلاح‌طلب در این چند سال با رویکردی کارشناسی وارد موضوعات شدند و عملکرد ما در یک سالی که آقای مسجدجامعی ریاست را داشت، کاملا گویا و متفاوت است و اعضای شورا و مردم و همه مخاطبان ما می‌توانند این عملکرد یک‌ساله را با عملکرد بیش از یک‌دهه‌ای آقای چمران و هیأت‌رئیسه همسوی‌شان مقایسه کنند و خودشان تصمیم بگیرند و کلاه خودشان را قاضی کنند.

او به پیشنهاداتی که معمولا در این ایام برای اعضای شورا وجود دارد، اشاره کرد و گفت: ما نه لابی داشتیم و نه پیشنهادی را مطرح کردیم؛ اما این رفتارها و هجمه‌ها و بی‌آبروکردن‌هایی که از سوی جریان مخالف وجود دارد، نشان می‌دهد که آنها بسیار نگران هستند و با این رفتارها می‌خواهند از این نگرانی بکاهند و فشار را به این سو منتقل کنند. این عضو شورای شهر تهران می‌گوید اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند در این فضای بی‌اخلاقی وارد شوند و سیاسی‌کاری داشته باشند؛ چراکه انتشار این تصاویر و مطالب و طنزهایی که بی‌احترامی را به همراه دارند، عین سیاسی‌کاری است. اما احمد مسجدجامعی به عنوان یکی از دو گزینه برای ریاست شورای شهر در سال آخر واکنشی نسبت به این فضاهای رسانه‌ای نداشت و به «شرق» گفت: «هر عضو رأی خود را دارد؛ اما خوب است که در هر شرایطی اخلاق رعایت شود. در چنین زمان‌هایی معمولا چنین فضاهای بی‌اخلاقی وجود دارد و من شخصا ترجیح می‌دهم که سکوت کنم». این گفته مسجدجامعی اشاره‌ای است به عکس و متن‌های پر از طعنه و توهینی که به‌تازگی از طریق کانال‌های تلگرامی رنگارنگ و بدون هویت علیه او منتشر کرده‌اند. یکی از این کانال‌ها البته چندان هم بدون هویت نیست؛ مثل کانالی به نام فارس‌پلاس که مطالب آن کانال‌های دیگر را بازنشر می‌کند.

ارتباط انتخابات هیأت‌رئیسه شورا با عوامل فتنه

پرویز سروری به عنوان یکی از اعضای اصولگرای شورای پایتخت که معمولا صراحتی خاص در بیان اظهاراتش علیه جریان مخالف دارد و معمولا چند روزی در صدر اخبار چند خبرگزاری همسو قرار می‌گیرد، گفت‌وگویی را انجام داده و گفته است که برخی اصلاح‌طلبان شورا با یک عامل فتنه برای انتخابات هیأت‌رئیسه جلسه داشته‌اند. او در جمله‌ای دیگر می‌گوید: «متأسفانه اخباری به دستمان می‌رسد که نشان می‌دهد خارج از شورای شهر پخت‌وپزهایی صورت می‌گیرد و افرادی فضای شورای شهر را به‌صورت سیاسی نگاه و با رویکردی سیاسی مسائل شورا را تعقیب می‌کنند». از آن طرف مجتبی شاکری، عضو دیگر اصولگرای شورا هم در کنار مقایسه‌ای که در صفحه اینستاگرام خود بین چمران و مسجدجامعی کرده، درست در پاراگراف آخر درحالی‌که همه بخش‌های صحبتش خطاب دارند، جمله‌ای مبهم و بدون خطاب را آورده است. او در این بخش گفته «به‌شدت از واژه فتنه و فتنه‌گر گریزان‌اند؛ گویا ماجرای جن و بسم‌الله است. در نهایت تحت مدیریت کمیته‌ای از بیرون هستند که هنوز نظام، مهر مطرود و منکوب‌بودن را از آنها برنداشته و در جریان سال ۸۸ و فتنه جزء حلقه اولیه تصمیم‌گیری بودند». این عضو هم در جمله‌ای شبیه به سروری نگران دخالت‌های بیرونی است. به نظر می‌رسد این اصرار به ارتباط‌دادن اصلاح‌طلبان شورا با عوامل چیزی که آنها «فتنه» می‌خوانند، همان تیر آخری است که اصولگرایان در میانه دست‌تنگی‌نداشتن نقص در عملکرد آنها می‌توانند به همکاران خود در شورا شلیک کنند.

البته تقریبا بیشتر اعضای شورا در این روزها اظهاراتی را درباره هیأت‌رئیسه داشته‌اند؛ اما تجربه نشان داده که همه این رفتارها و خط‌ونشان‌ها در هر دو سوی ماجرا با دخالت نامحسوس جریانی در مجموعه شهرداری تهران تا لحظه آخر رأی‌گیری ادامه دارد و اتفاقا اتفاق‌های مهم و حرکت‌های اصلی در همان روزها و ساعت‌های پایانی رخ می‌دهد.

داستان بیماری و مرگ دخترک افغانستانی در بیمارستان شیراز چه بود؟

لطیفه‌ای با طعم تلخ

شهرزاد همتی: خبر مرگ لطیفه رحمانی، کودک ۱۲ ساله افغانی، با حاشیه‌های فراوانی روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت؛ داستانی که می‌گفت لطیفه رحمانی، دختر ۱۲ساله افغانستانی که در بیمارستان نمازی شیراز بستری بود، به دلیل ممنوع‌بودن عمل پیوند برای اتباع غیرمجاز در ایران، درگذشت، اما این همه ماجرا نبود؛ داستان پیوند اعضا در ایران قوانین خود را دارد. پس از شیوع دلالی اعضای پیوندی و حضور خارجیان برای عمل پیوند در ایران در سال ۹۳ و پیوند کلیه افراد ایرانی به دو نفر از شهروندان کشور عربستان و مرگ یکی از آنان، در رسانه‌ها بازتاب بسیار و واکنش‌های زیادی را درباره دلایل روی‌آوردن شهروندان کشورهای همسایه چون ترکیه، عراق، جمهوری آذربایجان و... به ایران به‌منظور پیوند اعضا به‌همراه داشت. همین ماجرا باعث شد که به دستور وزیر بهداشت از مهرماه سال ۹۳ پیوند اعضای افراد ایرانی به اتباع خارجی ممنوع شود، هرچند این‌بار مسئولان بیمارستان نمازی شیراز که حالا انگشت اتهام به‌سوی آنها نشانه رفته، افغانستانی‌بودن لطیفه را دلیل ممانعت از انجام عمل وی نمی‌دانند و می‌گویند بدن لطیفه توانایی عمل را نداشت.

بعد از قرارگرفتن ادعای ممانعت از عمل یک کودک ۱۲ ساله به دلیل خارجی‌بودن، روی خروجی خبرگزاری‌ها، دوباره اظهارنظرها آغاز شد. در شرایطی که جامعه و روابط پزشک و بیمار ملتهب به نظر می‌رسد، شاید این ماجرا می‌توانست ضربه دیگری باشد، اما کمی که گذشت، تکذیبیه‌ها روی خروجی همان خبرگزاری‌هایی که ماجرای لطیفه را منتشر کرده بودند قرار گرفت؛ تکذیبیه‌هایی که در آنها داستان ۱۸۰ درجه با قصه‌ای که پدر لطیفه برای روزنامه «شرق» تعریف کرد، متفاوت بود؛ جوابیه‌ای که از نبود امکان شرایط جراحی روی کودک تبعه افغانستانی که خبرها از اقامت غیر قانونی او و خانواده‌اش در ایران روایت می‌کردند، خبر داشت.

شماره پدر لطیفه را درست زمانی می‌گیریم که او و همسر غمگینش پیکر کوچک دخترشان را از بیمارستان نمازی تحویل گرفته بودند و برای خاک‌سپاری به اهواز می‌بردند. پدر با غم می‌گفت دخترم حالا آرام خوابیده... گاهی هم عصبی می‌شد و با فریاد خواسته‌هایش را مطرح می‌کرد. اولین جمله‌ای که آقای رحمانی، پدر لطیفه، در گفت‌وگو با «شرق» به زبان می‌آورد این است: «چرا حالا آمدید؟ اصلا چرا نباید خبر داشته باشید که من تمام شهر را زیر پا گذاشتم تا دخترم را امروز کفن‌پیچ تحویل نگیرم؟»

پدر لطیفه می‌گوید دخترش را به‌خاطر مشکلات کبدی نزد پزشکی در خوزستان، محل زندگی خود و شش فرزندش، می‌برد، آنجا پزشک اعلام می‌کند او به بیماری کبدی مبتلاست و نیازمند پیوند کبد است؛ پیوندی که در آنجا برای او ۳۵۰میلیون تومان آب می‌خورد... . پدر می‌گوید: «من کارگر افغانستانی بدبخت ۳۵۰میلیون از کجا می‌آوردم... . آن وسط کسی به من گفت بچه‌ات را ببر بیمارستان نمازی شیراز. دخترم را روی دوشم گذاشتم و به شیراز آمدیم... . اینجا هم همین حرف را زدند؛ گفتند تو خارجی هستی، غیرقانونی هستی، بچه‌ات را عمل نمی‌کنیم. دخترم با پای خودش به بیمارستان رفت و جنازه‌اش را تحویل گرفتم... هیچ‌کس به من نگفت دخترت را عمل نمی‌کنیم؛ چون مردنی است، گفتند عملش نمی‌کنیم؛ چون هم پول نداری، هم ایرانی نیستی...». آقای رحمانی ادعا می‌کند که برای این بستری‌شدن دوهفته‌ای دخترش، هشت‌میلیون تومان به بیمارستان نمازی شیراز پرداخت کرده؛ ادعایی که البته مسئولان بیمارستان نمازی شیراز در گفت‌وگو با «شرق» آن را تکذیب می‌کنند. آقای رحمانی می‌گوید: «من هشت میلیون تومان دادم و ۲۰۰هزار تومان هم بابت داروهایی دادم که بعدا گفتند برای دخترم ضرر داشته. این اواخر شکم دخترم آب آورده بود و سه لیتر آب از شکمش کشیدند؛ اما آن‌قدر عملش نکردند که مرد. چرا؟ چون افغانستانی بود...». پدر لطیفه خشمگین است و می‌گوید در تمام این دو هفته همسرش در کنار خیابان می‌خوابیده و شرایط خوبی نداشته‌اند. او دخترش را در تاریخ پنجشنبه ۲۸ مرداد از دست می‌دهد، اما به دلیل پرداخت‌نکردن هزینه‌ها جسد را دیروز تحویل دادند و به خاطر سروصدای رسانه‌ای، بیمارستان بی‌خیال ۱۸میلیون طلبش از خانواده رحمانی می‌شود... . پدر لطیفه می‌گوید: «من به سازمان ملل هم گفتم، از بیمارستان شکایت می‌کنم، دخترم مشکلی نداشت و آنها او را کشتند. اگر در کشور دیگری بودیم این رفتار با ما نمی‌شد...».

با وجود تمام این شکایت‌ها، صحبت‌های دکتر محمدهادی ایمانیه، قائم‌مقام وزیر بهداشت در فارس و رئیس دانشگاه علوم پزشکی شیراز، روایت دیگری از داستان لطیفه رحمانی دارد. او به «شرق» می‌گوید: «خوشبختانه رشته خود من گوارش و کبد کودکان است و مسئول پیوند کبد کودکان هستم و کاملا می‌توانم نظر کارشناسی بدهم. قطع‌به‌یقین عمل‌نکردن لطیفه رحمانی دلیلی جز منع پزشکی نداشته است، به‌طورکلی به سه دلیل ممکن است پیوند برای بیمار اتفاق نیفتد؛ یکی اینکه تبعه ایرانی نباشد، اما با قطعیت می‌گویم حداقل راجع به این مورد خاص چنین اتفاقی نیفتاده بود و لطیفه در بیمارستان ما بستری شد. گرچه در قانون آمده که در صورت درخواست پیوند عضو برای فرد خارجی، دهنده عضو نیز باید تابعیت فرد گیرنده را داشته باشد، ولی راجع به این مورد خاص ما چشم‌پوشی کرده بودیم... . مانع دوم ممکن است مسائل مالی باشد. البته برای ایرانی‌ها پیوند رایگان است، برای خارجی‌ها هم به شرطی که شرایط را رعایت کنند و مجوز وزیر و شورای‌عالی پیوند برای انجام عمل پیوند اخذ شود، آن هم مشکلی ندارد، اما مشکل لطیفه رحمانی مسائل مالی هم نبود، کل مبلغ ۱۸میلیونی هم که در مدت بستری برای این کودک هزینه شده، از ایشان گرفته نشد و بیمارستان نمازی شیراز بدون آنکه مطالبه‌ای از وی داشته باشند، او را در بخش آی‌سی‌یو کودکان که می‌توانم به جرئت ادعا کنم در کشور کمتر نظیرش را داریم، بستری کرده و مورد مراقبت قرار دادند». وی دلیل سوم انجام‌ندادن عمل پیوند را که برای لطیفه هم شامل می‌شده، دلیل پزشکی دانسته و می‌افزاید: «دلیل سوم مسائل پزشکی است. به‌هرحال ما در هر شرایطی بیمار را پیوند نمی‌کنیم، وقتی بیمار در شرایطی قرار دارد که می‌دانیم صددرصد فوت می‌کند، تیم پیوند از نظر علمی این اجازه را دارد که زیر بار جراحی نرود. بگذارید من مختصری از شرح حال این بیمار را برای شما ارائه دهم...؛ لطیفه رحمانی نارسایی شدید کبدی داشت و نام بیماری او ویلسون بود که درواقع تجمع مس در بدن است. در این بیماری، در کبد مس جمع می‌شود و باعث می‌شود کبد از کار بیفتد. بعد از اینکه کبد از کار افتاد، به‌دنبالش اختلال انعقادی ایجاد می‌شود و این بیمار هم دچار خون‌ریزی شدید شده بود. گاهی وقت‌ها بیمار خون‌ریزی مغزی هم می‌کند و فشار مغزش بالا می‌رود و باعث ایست قلبی می‌شود». دکتر ایمانیه در پاسخ به این سؤال که آیا این شرایط و قطعی‌بودن فوت بیمار به خانواده رحمانی اعلام شده بود، می‌گوید: «ما نمی‌توانیم چنین صحبتی کنیم. ما بیمار را بستری می‌کنیم و همیشه برای خانواده ایجاد امید می‌کنیم. از روز اول به هیچ‌کس نمی‌گوییم که امیدی نیست و بیمار می‌میرد». او با تکذیب دریافت مبلغی از خانواده بیمار می‌گوید: «ما هیچ مبلغی دریافت نکردیم و جسد بیمار نیز روز گذشته با وجودی که ممکن بود منع قانونی داشته باشد، ولی چون وزیر بهداشت پیش‌تر دستور داده بود هیچ جسدی در بیمارستان‌ها باقی نماند، آن را تحویل خانواده‌اش دادیم». قائم‌مقام وزیر بهداشت در استان فارس تصریح کرد: «این خانواده اقامت قانونی در ایران نداشتند و البته این ربطی به ما نداشت. ما موظف هستیم در هر شرایطی بیمار را بستری کنیم، اما از نظر قانونی موظف به اعلام به وزارت کشور هستیم». وی در پایان خاطرنشان کرد: «من با قاطعیت اعلام می‌کنم لطیفه اگر شرایط جسمانی‌اش اجازه می‌داد، پیوند کبدی می‌شد، چون با وجود تمامی منع‌های قانونی برای پیوند اتباع بیگانه، اما وزیر بهداشت این مجوز را به ما داده که در شرایط خاص بیمار را برای عمل پیوند آماده کنیم. اگر لطیفه دوام می‌آورد، از خانواده‌اش برای او کبد می‌گرفتیم، اما خانواده او در مراحل آخر بیماری به ما مراجعه کردند و دیگر کاری از ما ساخته نبود...».

در لحظاتی که آخرین سطور این گزارش ثبت می‌شود، جنازه لطیفه ۱۲ ساله در راه خوزستان است. پدر لطیفه غمگین و خشمگین از اتفاق پیش‌آمده می‌گوید اگر در کشوری شبیه بلژیک اقامت داشت، این اتفاق برایش نمی‌افتاد. هیچ‌وقت کسی برای پدر لطیفه توضیح نداده که شرایط ایران و بلژیک با هم یکی نیست و بیمارهای ایرانی هم هستند که در صف پیوند اعضای بدن جان می‌دهند و چادرهای نارنجی‌رنگ سفری در خیابان ستارخان تهران، درست روبه‌روی بیمارستان کودکان، حکایت از مردمی دارد که از قضا ایرانی هستند، اما مثل پدر و مادر لطیفه افغانستانی بعد از بستری‌کردن فرزندشان راهی جز در خیابان‌ماندن ندارند. از طرفی فارغ از هر تصمیم و نگاه احساسی‌ای باید چارچوب قوانین پیوند این کشور را بررسی کرد و به یاد آورد روزهایی را که شیوخ عرب و حاشیه‌نشینان خلیج‌فارس با مبالغ اندکی که به دلال‌های پیوند پرداخت می‌کردند، بازار سیاه فروش کبد و کلیه راه انداخته بودند و همین بازار مکاره منجر به تصویب قانون سفت‌وسخت پیوند اعضا شد. به‌هرترتیب لطیفه، قربانی فقر و مهاجرت بود. به گفته دکتر ایمانیه، لطیفه در آخرین روزهای زندگی‌اش به بیمارستان آورده شده بود که ناشی از فقر فرهنگی و توانایی‌نداشتن خانواده برای درمان اوست و به گفته پدرش، او را عمل نکردند چون ایرانی نبود. در هر صورت این یک بازی دوسرباخت برای لطیفه ۱۲ ساله بود... .

نگاه

جایزه دکتر معتمدنژاد به چهره‌های ارتباطات اعطا می‌شود

• **شرق:** جایزه دکتر معتمدنژاد به همت انجمن متخصصان روابط عمومی هر سال به چهره‌های علمی حوزه ارتباطات و روابط عمومی کشور اعطا خواهد شد. به گزارش «شرق»، به نقل از کمیته ارتباطات انجمن متخصصان روابط عمومی، مراسم اهدای جایزه پروفسور کاظم معتمدنژاد، به‌منظور پاسداشت و زنده‌نگاه‌داشتن نام و شأن علمی این چهره علمی کشور به شخصیت‌های علمی درحوزه ارتباطات و روابط عمومی توسط انجمن متخصصان روابط عمومی برگزار می‌شود. در آخرین جلسه هیأت مدیره انجمن متخصصان روابط عمومی که دیروز دوشنبه ۲۵ مرداد با حضور اعضای هیأت مدیره و برادر زنده‌یاد معتمدنژاد برگزار شد، مقرر شد جایزه پرفسور کاظم معتمدنژاد در دو سطح ملی و بین‌المللی هر ساله در سالگرد یا روز ملی روابط عمومی و ارتباطات ۲۷ اردیبهشت‌ماه، توسط انجمن مذکور و با مشارکت سازمان‌ها، دانشگاه‌ها، استادان، مدیران و کارشناسان روابط عمومی به افراد منتخب اعطا شود. مرحوم پرفسور کاظم معتمدنژاد که پدر علم ارتباطات در ایران شناخته شده، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در تأسیس و راه‌اندازی رشته دانشگاهی روابط عمومی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران داشته و خدمات علمی و ارزنده‌ای را برای توسعه اعتلای علم ارتباطات و روابط عمومی انجام داده است.

ادامه از صفحه ۱۶

سنت‌گرایی در طب نقاب یا درمان!؟

آنچه اینجا نیازمند توجه ویژه است «تأثیر متقابلی است که این رویکرد و جامعه به‌هم دارند»؛ نکته‌ای که تاکنون هیچ توجهی برنینگیخته و تا آنجا که نویسنده مطلع است با وجود اهمیت مسئله، به چشم افرادی از اهالی فکر و اندیشه که دغدغه اجتماعی دارند نیز نیامده است. از آنجا که سنت‌گرایی در طب عملا التزامی به روش‌های تجربی و علمی ندارد، مجبور است مقلدانه و فهم‌ناکرده رونوشتی از دانش قدما را عرضه کند که نتیجه آن خواسته یا ناخواسته مغایر با عقلانیت و خرد انتقادی است که تمام علم جدید بر آن استوار شده است. اینجاست که سنتی‌گرایی در طب گریزگاه خوب و چتر امنی برای جریان خردگریز و عقل‌ستیز جامعه می‌شود. اگر این جریان زمانی با هر فراورده جدیدی مثل گوجه‌فرنگی، رادیو، بلندگو! و ... به مقابله می‌پرداخت، درحال‌حاضر با فراگیرشدن و پذیرش مظاهر مختلف تکنولوژی و دانش، آگاهانه یا ناآگاهانه مجبور به انتقال نیرو و انرژی خود به حوزه‌های دیگری مثل سنتی‌گرایی در طب شده است و در این زمینه برای پوشاندن چهره غیرعقلانی خود و موجه‌جلوه‌دادن خویش از بعضی مفاهیم و واژه‌های مقبول زمانه مثل درمان ارگانیک و طبیعی کمک می‌گیرد که باعث به‌خطاافتادن حتی قشر تحصیل‌کرده و حتی بالاتر از آن، برخی از پزشکان نیز می‌شود. بنابراین سنتی‌گرایی در طب (و نه البته طب سنتی‌گرایی) آگاهانه یا ناآگاهانه سایه‌بانی است برای جریان‌هایی که ذهن و روحشان تاب حرارت خورشید اندیشه و تفکر را ندارند و هر آن، جانشان به دنبال راحتگاهی است که از شر عقلانیت و تبعات دشوار آن دمی آسوده باشد. بنابراین خطا نیست اگر گفته شود اندیشمندان و اصلاحگرانی که دغدغه عقلانیت و مدنیت جامعه ایرانی را دارند باید التفاتی نیز به این منطقه پنهان داشته باشند و جامعه را از خطر آن آگاه کنند. اگر قرار بر حفظ گنجینه طب سنتی است و قرار است از حکمت نهفته در آن بهره گرفته شود، باید به روش علمی و مدرن صورت بگیرد نه اینکه برعکس به سراغ طب جدید با روش سنتی رفته شود. ما باید بدانیم حتی اگر همه ما هم با روش غیرعلمی شبه‌علم را با علم اشتباه بگیریم، علم دچار نقصان و ضرری نمی‌شود و به راه خود ادامه می‌دهد ولی در این صورت ماییم که از قافله بیشتر عقب می‌مانیم و پزشکی کشور را که لااقل تاکنون در وضعیت مطلوب و سرآمدی بوده، به قهقرا می‌بریم!

Korea Premium Selection

تورهای تابستانی

در سطحی متفاوت

کره جنوبی

۳ شب سئول + ۳ شب جیجو

مارکوپولو گروه گردشگری

WWW.MARCOPOLO.IR

نامی معتبر در صنعت گردشگری

تعطیلات
تجریش ،ابتدای شریعتی
۲۹۶۹
WWW. holidayiran.ir

سیاره توریستی
میدان فاطمی،ساختمان فاطمی
۸۸۹۵۲۳۲۳
WWW.sayyareh.com

گالیور
میرداماد، برج آرین،۲۰۳
۲۲۲۲۶۲۳۵
WWW.gulliveriran.com

کیان
قایم مقام فراهانی ، شماره ۷۵
۸۸۹۵۲۳۲۳
WWW.kianagency.com

سفرهای ایده آل
دکتر بهشتی ،نرسیده به سهروردی
۸۸۴۷۱۸۲۰
WWW. idealtravel.ir

روابط عمومی
marcopolo.ir
pr@marcopolo.ir
۸۸۵۳۰۶۳۰